

گروه و البریدی - مرتضی فاضلی - جهان امروز، علی‌رغم پیشرفت‌های خیره‌کننده در عرصه فناوری‌های ارتباطی و هوافضا، همچنان با طرز بی‌درمانی و در دریاها و باسته‌ها، بیش از هشتاد درصد از تجارت جهانی‌اش از طریق کشتی‌ها، آبی جابه‌جا می‌شود و کابل‌های ارتباطی زیر دریا، بی‌بستر اصلی تبادل اطلاعات در عصر دیجیتال را تشکیل می‌دهند. این واقعیت نشان‌دهنده اهمیت و ضرورت پیوستن برای اطمینان و تأمین منافع ملی، دولت‌ها، تبار قدرتمند کرده‌است.

مرضی فخری، پژوهشگر ارشد علوم راهبردی در مطلبی به اسم «آزاده است: دیپلماسی دریایی، به عنوان نمونه‌ای از کشتی‌های ارتباطی و تعاملات قدرت در فضای آبی» به جهت‌ازاری برای حفظ منافع و مناسبات، بلکه به ایجاد امنیت تحولات ژئوپلیتیکی و هنجارهای نظم بین‌المللی در قرن بیست و یکم محسوب می‌شود. این مفهوم که ریشه‌ای تاریخی در تمدن‌های کهن از یونان و روم تا چولوا در هند و دوستان‌های چین دارد، امروز با پیچیدگی‌های بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شده و دشمنی‌های محوری در شکل‌دهی به روابط قدرت ایفا می‌کند. تاریخچه به کارگیری نیروی دریایی در مناسبات دیپلماتیک، نه به سده‌های اخیر که به دوران باستان بازمی‌گردد، جایی که آن تا تأکیه بر ناوگان قرار نداشت، خود، اتحادیه‌های دلسوس در میان نهاد و سیاست خارجی خود را به یاد قدرت آبی استوار ساخت. در شرق و در سلسله مراتبی چون ایران بازمی‌گردد ناوگان‌های عظیم به قیافه‌ساز شدن به هب‌ری ژنگ، که الگویی از دیپلماسی نمایشی و همکارانه را به نمایش گذاشت که برای مدت‌ها در تاریخ این منطقه بی‌تظیر بود. اما آنچه دیپلماسی دریایی معاصر را از اشکال تاریخی آن متمایز می‌سازد، گستره کارکردی، تنوع ابزاری و پیوند ناگسستنی آن با نظام حقوقی بین‌المللی و نهادهای چندجنبه‌ایست.

در فضای ژئوپلیتیک کنونی، شاهد تحولی در نحوه بهره‌گیری بازیگران مختلف از ظرفیت‌های دیپلماسی دریایی هستیم. ایالات متحده آمریکا، به عنوان ضامن سنتی آزادی دریا، در یاتورهای دیپلماتیک و عملیات‌های موسوم به آزادی دریابوردی، در نقاط حساسی نظیر دریای خونی چین، جای پایندگی خود به هنجارهای بین‌المللی مبتنی بر کنواسیون حقوق دریاهای را به نمایش می‌گذارد، هر چند این اقدامات از منظر برخی دولت‌ها از جمله چین، مصداق دیپلماسی دریایی اجباری و نقض حاکمیت تلقی می‌شود که خود نشان از تقابل مفهومی و تفسیرهای متفاوت از حقوق بین‌الملل دارد. در نقطه مقابل، به عنوان قدرت نو ظهور دریایی، با راهبرد جامع‌ای با سرنویست مشترک برای بشریت، دریاها، ترکیبی از دیپلماسی همکارانه و اجباری را به کار می‌گیرد. توسعه زیرساخت‌های بندری در چارچوب طرح «یک کمربند، یک راه» و حضور نظامی فرانسه در دریای خونی، نشان‌دهنده تلاش این کشور برای تغییر موازنه قدرت و اعمال نفوذ بر مسیرهای حیاتی تجارت جهانی است. این‌گونه رویدادها به ریشه‌در فرهنگ راهبردی دریایی «این کشور دارد، گویای این است که صرفاً انباشت توانمندی‌های مادی برای تبدیل شدن به یک قدرت دریایی جامع نمی‌باشد، بلکه نیاز به یک چارچوب فکری و اعتقادی مشخص در مورد نقش و کارکرد دریا وجود دارد که بتواند عصب داخلی و س.الملل، اقدامات را تأمین کند.

پژوهندگان برجسته‌ای چون کرستین لو میبر، برای مفهوم دیپلماسی دریاچه کوئشناسی سه گانه‌ای (همکاری، رقابت و غیبتی) و (اجباری) دریاچه‌ها که هر یک دارای دو هدف خاصی را دنبال می‌کنند. در سطح همکارانه، نیروی دریایی دولت‌ها با ایفای نقش در عملیات‌های بشر دوستانه، امداد رساننده در بلایای طبیعی و مأموریت‌های اعتماد سازی، چهره‌ای صلح‌ جوی مشارکتی از خود به نمایش می‌گذارند. بدین تحکیم روابط دو جانبه و چند جانبه یاری می‌رسانند. این نوع دیپلماسی که اغلب در زمان صلح و صلح و ثبات نسبی به کار گرفته می‌شود، هزینه‌های سیاسی پائینی دارد و بستر مناسبی برای ایجاد اعتماد متقابل و کاهش سوء تفاهم‌ها راهبردی می‌باشد می‌آورد. به موجب همکارانه و نجات مشترک، اعزام ناوهای بیمارستان به مناطق محروم، و همکاری در پایش محیط‌زیست دریایی، نمونه‌هایی عینی از این نوع دیپلماسی همکارانه هستند که ضمن ارتقای تصویر بین المللی دولت‌ها، زمینه‌های همکاری گسترده‌تر در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی را هم می‌پایا می‌سازند. دیپلماسی در غیبتی با هدف تأثیر گذاری بر رفتار سایر بازیگران و سپس درباره پایداری احتمالی

بدون تشریح...



فریبا عزیز ی - اقتصاد سراسر آمد



اقدامات آنان به کار گرفته می‌شود. این نوع از دیپلماسی که می‌تواند شامل رزمایش‌های نظامی، گشت‌های دریایی یا استقرار موقت ناوگان در مناطق حساس باشد، به دنبال تغییر محاسبات راهبردی در مقابل بوند دولتی و تسلیع به‌زور مستقیم است. در این میان، دیپلماسی جبری که همین اثر شکل آن با عنوان «دیپلماسی قایق‌های توبه‌کار» شناخته می‌شود، با بهره‌گیری از تهدید ضمنی یا آشکار قدرت نظامی به دنبال وادار کردن طرف مقابل به پذیرش خواسته‌ها و اغلب به دربار بحرانی و ظرفی که از ابزارهای مسدودسازی خود را می‌داند، دست داده‌اند. امروز استفاده فراوانی از چنین تکنیک نظریه‌پردازان سرشناس این حوزه، مسئله راه‌بانی از حالات «قطعی»، هدفمند، تاکتیک‌آلود و بی‌پایان را برای دیپلماسی دریایی ترسیم کرده که از قدرت سخت تا قدرت نرم را شامل می‌شود و نشان می‌دهد که این مفهوم می‌تواند وسیله‌ای برای کارکرد‌ها را بر می‌گیرد که هر یک در شرایط خاص خود کارآمدی لازم دارند.

[illegible]

چونکه جالب توجه، ظهور بلو کهای جدیدی چون بریکس به غیر از اتحادیه اروپا و ناتو، در سالهای اخیر، توجهات بینالمللی را به خود جلب کرده است. توسعه اخیر این گروه و ظهور بلو کهای جدیدی چون بریکس به غیر از اتحادیه اروپا و ناتو، در سالهای اخیر، توجهات بینالمللی را به خود جلب کرده است. توسعه اخیر این گروه و ظهور بلو کهای جدیدی چون بریکس به غیر از اتحادیه اروپا و ناتو، در سالهای اخیر، توجهات بینالمللی را به خود جلب کرده است.

مشترک برای حفاظت از منافع جمعی در برابر فشارهای قدرت‌های
سستی هستند که خود گامی مؤثر در جهت تشکیل دهی به نظم نوین
دریابی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی و توازن قدر محسوب می‌شود.
قلب دیپلماسی درایبی ملدن، گام‌های درازی نقشی به‌پایل
فستند می‌کنند. هر مزب، با المعب، ملاکات و تنگه‌تیران، شریان‌های
مفستند که جریان حیاتی را کالا را به سراسر جهان می‌رسانند و
هرگونه اختلال در این نقاط، چه از طریق اقدامات نظامی و چه از طریق
عملان محدودیت‌های سیاسی، تأثیرات فوری بر قیمت‌های جهانی
و امنیت انرژی کشورها خواهد داشت. نمونه‌های تازه‌ای
موضوع، تحولات اخیر در تنگه هرمز است که در آن ایران با استفاده به
نوعی داخلی و با اتخاذ نهادهی به نام «مرجع تنگه خلیج فارس»، به
تنبال اعمال کنترل بر تردد کشتی‌ها و دریافت عوارضی بوده است
هرچند دریافت عوارض در آب‌های چون کانال سوئز و پاناما سابقه‌ی
بلوستانی‌های سیاسی و هریت نموده‌ی مرسوم و شروط کردن در ویرای
عبور از تنگه‌ی را که در کانسوین حقوق درآها به رسمیت شناخته‌شده،
پالاش جدی روبرو کرده است. این اقدام گویای رویکردی
نوین در دیپلماسی درایبی است که در آن، دسترسی به آب‌های
حیاتی به عنوان اهرم فشار اقتصادی و سیاسی و ابزاری برای پاداش
به متحابان و اعمال هزینه بر رقیبان کار گرفته می‌شود و بدین ترتیب
در عرصه‌ی برای اعمال قدرت اقتصادی ایران از حوزه نظامی
بذیل می‌گردد.

چنین رویکر دی، همداراهای جلدی راز سوی کشورهای کوچک
و البته به تجارت دریایی دی پی شادسته ست. به عنوان مثال، سفیر
به سازمان ملل در اقدامات ر به اعدا سده در تدرجی که
تخللا به عنوان ابرای برای اعمال نفوذ، تعبیر کرد و همدار جلدی
چنین روندی، ثبات بین المللی را به اهری قابل معامله تبدیل می کند و
کوچک ترین اقتصادهای سنگین ترین آن را خوانند پر خاسته.
راستما، مذاکرات مستور و ایران را سر مقابله می ستایای به
فاهمهای فنی و سیاسی در مومر مدیریت آینده تدر در هر، نشان از
هعبت حیاتی این آبر و تلاش برای کانالیزه کردن تنش ها از مجرای
پلینامیک دارد. این مذاکرات که با میانجی گری عمان و با هدف ایجاد
کردار دیپلماتیک برای تضمین تدر در این انجام می شود، می تواند الهیدی
به مدیریت منازعات دریایی در سایر نقاط جهان باشد و نشان دهد
که حتی در بحرانی ترین شرایط نیز، همکاریهای دیپلماتیک می تواند
یاگیرن ر رویارویی نظامی شوند. این تجربه موافقت آمیز، ضرورت
قوت پیلهاسی پیشگیرانه و ایجاد کانالهای ارتباطی پایدار میان
کشورهای درگیر در اختلافات دریایی را بیش از پیش آشکار می سازد
و می تواند به عنوان الگویی برای سایر مناطق نظیر دریای چین جنوبی
مردم دیرینه آن مورد استفاده قرار گیرد.

[illegible]

کوتناسیون حقوق دریاها که به عنوان بزرگترین و جامع ترین معاهده در زمینه حقوق دریایی در تاریخ بشر شناخته می شود و بیش از ۱۱۰ کشور آن را تصویب کرده اند، با وجود اختلافات هنوز در برخی حوزه های دریایی و از جمله نحوه حل و فصل اختلافات بین المللی در زمینه حقوق حدود و قلمرو، دارای ابهامات و نقاط گراست که زمینه ساز بروز اختلافات و تفسیرهای متفاوت از سوی دولت های مختلف می شود. در چنین شرایطی، تدبیر اساسی دریاها به عنوان ابزاری برای اشتراک و همکاری هم زمان، نقش خود را بیش از پیش نمایان برای اشتراک و همکاری

دولت‌ها از یک سو، با حضور نظامی و اجرای عملیات‌های نامحسوس و به دنبال تحکیم ادعاهای خود و نشان دادن ادعای هم‌مسندت از سوی دیگر، با شرکت در رزمایش‌های چندجانبه، تبادل اطلاعات و گفت‌وگوهای دوجانبه، در پی مدیریت تنش‌ها و جلوگیری از اخلال‌ها و اختلافات به درگیری نظامی تمام‌عیار بر می‌آیند. محققان مؤسسه بروکینگز با اشاره به تحولات اخیر در هرمز و دریای سرخ، به این باورند که چالش اصلی فراتر از بازگرداندن تردد در یک آب‌راه خاص است. اهداف و باای جلودر یک از عادی‌سازی دسترسی مشروط سیاسی به گلوگاه‌های دریایی به عنوان یک رویه در نظام بین‌الملل باشد، زیرا چنین رویه‌ای می‌تواند فرافراوانشی در پی‌نظم بین‌ظمنی بر قاعده و جایگزینی آن با نظم مبتنی بر قدرت و زور منجر گردد. در این تیل به این هدف، راهکارهایی چون شفاف‌سازی از طریق ایجاد کانسیس‌های مستقل ثبت و پیگیری حوادث دریایی، رهنه‌زایی برای اقدامات یک‌جانبه از طریق محکومیت‌های دیپلماتیک و تحریم‌های هدفمند، تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری برای کاهش وابستگی به گلوگاه‌های خاص، پیشنهاد شده است. با این حال، کارشناسان تأکید دارند که حفظ نظم مبتنی بر آزادی دریاها، نیازمند هزینه‌های امنیتی قابل توجهی است که دیگر نمی‌تواند صرف‌ر بر عهده یک منطقه ایالات متحده باشد و نیازمند مشارکت بیشتر متحدان و شرکای منطقه ایالات متحده با توان و بار سنگین تأمین امنیت دریایی و به نحو عادلانه‌تر توزیع آن در اوزان این طریق، مشروعیت و کارآمدی نظم موجود را نیز افزایش داد.

در غیر این صورت، ممکن است شاهد شکل گیری نظام‌های دسترس مازاری و رقابتی باشیم که در آن، تعلق به یک ائتلاف سیاسی خاص، شرط شهرتندی از مواهب اقتصادی جهانی خواهد بود و بیس مجریته این ارایش از پیش به سمت قطبی شدن و چندپارگی سوق می‌دهد. این آرایش بر کوبی که برخی آن را بازگشت به دوران امپراتوری‌های دریایی یا تغییر کرده‌اند، می‌تواند عواقب وخیمی برای کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته‌های کوچک و بزرگ داشته باشد. این آرایش در صورتی است که به بازآرایی اقتصادی رابا موانع سیاسی و اقتصادی جدیدی مواجه سازد. در این میان، ظهور فناوری‌های نوین دریایی از جمله کشتی‌های خودران، سامانه‌های شناسایی پیشرفته، پهپادهای دریایی نیز ایجاد جدیدی به پیچیدگی دریای بخشنده است. این فناوری‌ها ضمن افزایش توانمندی‌های دولت‌های توسعه‌یافته و کنترل بر مناطق این، چالش‌های حقوقی و اخلاقی تازه‌ای را نیز ایجاد کرده‌اند. که هنوز پاسخ روشنی در نظام حقوقی بین‌المللی برای آنها یافت نشده است. به عنوان مثال، استفاده از کشتی‌های خودران در آب‌های مورد مناقشه، می‌تواند تنش‌ها را به طرز چشمگیری افزایش دهد. زیر سؤالیت‌پذیری با خدمه‌ای در چنین مواردی به موجب دشواری تر از کشتی‌های با خدمه است. همچنین، توسعه سامانه‌های شناسایی فوق پیشرفته و موشک‌های ضد کشتی، محاسبات رابهری دولت‌ها در در مورد به‌زیه‌های رویارویی دریایی به شدت تغییر داده و باعث شده است تا بسیاری از کشورهای دپلماسی به حقوقی برای اختلافات نظامی، به دنبال آراکراس دپلماسی باشند.

خیابان‌های تهران در دوران معاصر، با پی‌پذایی به نام هانفادو (خیابان‌های زی‌روبرو است که در آنها تنها یک جهت حرکت دارد) و در زمان صلح و جنگ قرار می‌گیرد و تشخیص هایت آنها بدشواری می‌باشد. هیره‌ا است. اقداماتی مانند ایجاد پایگاه‌های نظامی در جاذب مصنوعی و اعمال محدودیت‌های یک‌جانبه در مناطق انحصاری اقتصادی و به پی استفاده از شبه‌نظامیان برای اعمال فشار، نمونه‌هایی از این است. اقدامات خیابان‌های هستند که پی‌پذایی‌ها را تغییر می‌دهند و جاذبه‌های جدیدی در حوزه تشخیص، پاسخ‌دهی و اعتبارسنجی موجود می‌باشد.

ساخته‌اند. در چنین شرایطی، توانایی دولت‌ها در خوانش صحیح و مقاصد طرف مقابل، انتقال پیام‌های روشن و بدون ابهام، و ایجاد کارکردهای کاهش تنش، به همراه حیاتی‌تر از گذشته شده است. یکی از نمونه‌های موفق در این زمینه، ایجاد خطوط ارتباطی مستقیم سرورانشان در فرماندهان نیروی دریایی کشورهای مختلف است که امکان تبادل سریع اطلاعات در مواقع بحران را فراهم می‌آورد و از بروز حوادث غیرمستقیم، اعضای موافقت‌نامه‌های دو جانبه و چندجانبه در مورد رفتارهای آیم در دریا، مانند توافقنامه جلوگیری از برخورد در دریا که توسط نیروی دریایی آمریکا و شوروی سابق امضا شد، می‌تواند جلوگیری مناسب برای کاهش تنش‌ها در مناطق مختلف جهان باشد. از طریق مذاکره براساس رفتار مشترک، از تبدیل تنش‌های ژئودگرد به بحران‌های طولانی مدت جلوگیری کنند.

[illegible]

سخن آخر آنکه؛ دیپلماسی دریایی در قرن بیست و یکم، چیزی فراتر، به تعاملات ترسناقی میان ناگاهان نظامی است. این مفهوم، به هم‌زمانی تاریخ، حقوق، سیاست، اقتصاد و استراتژی از خود فراتر رفته و به عنوان شخصی حساس برای سنجش تنش‌ها و همکاری‌های بین‌المللی عمل می‌کند. همان‌گونه که آلفرد تاجر ماهان، به‌یادش می‌آورد شهر قدرت دریایی، بیش از یک قرن پیش پیش‌بینی کرد، تسلط بر دریاها، تسلط بر جهان را به هم دارد. اما در شرایط کنونی، تسلط بر این دنیا، صرفاً در حد تعداد ناوها و جنگنده‌ها نیست، و احترام به منافع‌های مشترک بازمی‌گردد. پیچیدگی‌های نظم دریایی معاصر، دولت‌ها را ناگزیر از اتخاذ رویکردی هوشمندانه و چندبعدی ساخته است که در آن، قدرت نظامی تنها یکی از مؤلفه‌هاست و دیپلماسی حقوق بین‌الملل، همکاری‌های منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های صلح‌آمیز، به همان اندازه اهمیت دارند. آینده روابط بین‌الملل تا حد زیادی وابسته به این خواهد بود که آیا دولت‌ها می‌توانند از «دام توکو دیس» بگریزند یا در دام عمیق‌تر هزینه‌های بی‌روایی و منافع همکاری، در پی اثر عرصه‌ای این تقابل به تضایف‌های همکاری و تسلط برهنه بر قاعده تبدیل کنند. تحقیق این چشم‌انداز، نیازمند اراده سیاسی جمعی، تقویت‌بادهای بین‌المللی موجود، و خلافت دیپلماتیک در طراحی سازوکارهای جدید برای مدیریت نزاعات و توزیع عادلانه منافع دریایی است. شاید بتوان گفت که مهم‌ترین آزمون دیپلماسی دریایی در دهه‌های آینده، نه در میدان‌های نبرد خشکی، بلکه در پهنای آبی در سر تعین سرنوشت این نظم دریایی خواهد بود؛ آزمونی که نتیجه‌آن، چه‌رغم نظم بین‌الملل برای نقرن آینده رقم خواهد زد و مشخص خواهد کرد که آیا بشر توانایی اداره میراث کنونی رقابت‌های دریایی فراتر رود و به افاق‌های نوآزادی و همکاری و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در دریاها دست یابد یا نه. نکته تاریخی، بار دیگر خواهد بود قلاب منازعاتی تکراری بر سر تسلط بر آب‌های ننگین تکرار خواهد کرد.

بدون شرح



عکس: اصغر بشارتی